

کارگران همه کشورها متحد شوید!

اعلامیه شماره ۷ کمیته مرکزی حزب توده ایران

ادامه مبارزه متحد مردم و نیروهای ضد استبداد با استفاده

از همه اشکال ممکن، راه مقابله با توطئه های مرتجعان

حاکم برای مایوس کردن جنبش مردمی است!



شماره ۸۲۰، ۱۵ تیرماه ۱۳۸۸

دوره هشتم، سال بیست و سوم

اصلاح طلبان، خصوصاً نامزدهای معترض به کودتای انتخاباتی ولی فقیه و انصارش، آقایان موسوی و کروبی، و همچنین درهم کوبیدن تشکل های سیاسی-اجتماعی مدافع این نامزدها، از جمله جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، تشکل های دانشجویی، زنان و همچنین روزنامه نگاران و نویسندگان مترقی در کنار فعالان کارگری و نیروهای ملی-مذهبی

هم میهنان مبارز!

رژیم ولایت فقیه، با همه امکانات و ابزار حکومتی به تلاش های خود برای درهم کوبیدن مقاومت توده ای، در مقابل کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد ادامه می دهد. هدف ارتجاع از ادامه فشار های سنگین امنیتی، شکنجه و به راه انداختن شوهای تلویزیونی برخی از دستگیر شدگان، و بر طبل "توطئه خارجی" و "انقلاب مخملین" کوبیدن، ارباب نیروهای سیاسی و درهم شکستن مقاومت

ادامه در صفحه ۲

نقش موثر جنبش زنان در مبارزه با کودتای انتخاباتی

در صفحه ۳

همبستگی احزاب کارگری و کمونیستی، و نیروهای مترقی جهان با مبارزات مردم ایران

اطلاعیه حزب کمونیست سوئد

پیرامون حوادث جاری در ایران

حزب کمونیست سوئد از خواست نیروهای مردمی و دمکراتیک ایران برای تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این کشور پشتیبانی می نماید.

ما بطور کامل از مبارزه جانانه حزب توده ایران، طبقه کارگر و جنبش مردمی در ایران در راه ایجاد تغییراتی دمکراتیک در این کشور پشتیبانی کرده و هرگونه تلاش امپریالیست ها برای دخالت در تحولات این کشور را محکوم می نماییم. ما همچنین از فراخوان حزب توده ایران به ادامه تظاهرات و مقاومت حمایت می کنیم.

ادامه در صفحه ۴

در دفاع از جنبش مردم ایران برای حقوق و آزادی های دموکراتیک

عیار "ضدیت" رژیم ولایت فقیه با امپریالیسم از همان قماش نیروهای نظیر "بن لادن" ارتجاعی، صدام حسین دیکتاتور فاشیست و عمر بشیر، رئیس جمهور سودان است که میزان تبعیت و تعاملشان با امپریالیسم بستگی به منافع زودگذرشان دارد

تن زخمی شده اند. افزون بر این گزمگان رژیم در یکی از گسترده ترین عملیات سرکوبگرانه بیش از هزار تن از فعالان جنبش اعتراضی، چهره های برجسته کارزار انتخاباتی نامزدهای اصلاح طلب، فعالان جنبش دانشجویی و زنان و همچنین روزنامه نگاران هوادار جنبش اصلاحات را دستگیر و روانه شکنجه گاه ها کرده اند. شوهای تلویزیونی قربانیان شکنجه، که در سال های دهه ۱۳۶۰ برای شماری از رهبران حزب ما و دیگر سازمان های سیاسی و دگر اندیش کشور سازمان دهی می شد تا بدین بهانه احزاب مترقی و مردمی میهن ما را سرکوب و غیر قانونی اعلام کنند، امروز برای برخی از رهبران جنبش اصلاح طلبی و حتی کسانی که زمانی به آنها عنوان نیروهای "خودی" اتلاق می شد سازمان دهی می گردد و یاد آور سرکوب خونین و فاجعه باری است که رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه در دهه ۱۳۶۰ بر میهن ما تحمیل کرد و سرانجام با قتل عام هزاران زندانی سیاسی و شماری از برجسته ترین متفکران، نویسندگان، رهبران و فعالان جنبش کارگری، افسران میهن

ادامه در صفحه ۶

بیش از سه هفته از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، که در جریان آن محمود احمدی نژاد، نامزد نیروهای تاریک اندیش و ضد مردمی، بر پایه مداخله گسترده و سازماندهی شده محافظ امنیتی- نظامی در همه مراحل انتخاباتی و تقلبیات وسیع، برنده اعلام شد می گذرد. اعتراض به این تقلبات مفتضحانه، از سوی جنبش مردمی میهن ما در هفته های اخیر یکی از دامنه دار ترین کارزار های مبارزه ضد استبدادی در سه دهه اخیر بوده است. میلیون ها تن از شهروندان عادی شامل زحمتکشان، قشرهای میانه جامعه و هواداران دموکراسی و حقوق بشر در ایران به خیابان ها آمده اند و در تظاهرات آرام و صلح جویانه ای خواهان ابطال نتیجه انتخابات و برگزاری یک انتخابات سالم جدید شده اند. مردم در اکثر کشورهای جهان بر صفحه های تلویزیون های خود ناظر درگیری نابرابری، که در یکسوی آن مردم و در سوی دیگر نیروهای نظامی و شبه نظامی رژیم قرار دارند، بوده اند. در جریان آتش گشودن نیروهای نظامی- امنیتی رژیم حداقل ۲۰ تن کشته و صدها

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه اعلامیه شماره ۷ کمیته مرکزی ...

بدرود رفیق لطفعلی اردبیلیان



فرقه دمکرات آذربایجان یکی از شریف ترین و باایمان ترین اعضای خود را از دست داد. روز ۷ اردیبهشت ماه پیکر رفیق اردبیلیان با حضور تنها دخترش و همسرمان کهنسال و عده ای از کادرها و اعضای حزب توده ایران در شهر سومقاییت در جمهوری آذربایجان به خاک سپرده شد. رفیق اردبیلیان در سال ۱۳۰۶ در روستای سیقیرلی در

شهرستان اردبیل زاده شد. پس از تحصیلات ابتدائی، در سال ۱۳۲۰ در جستجوی کار به تهران رفت و به کارگری در راه آهن ایران پرداخت. با اوج گیری جنبش دهقانان اردبیل در سال ۱۳۲۳، به زادگاهش شتافت و در مبارزه علیه ظلم و جور فتودالها به دهقانان پیوست. پس از آغاز فعالیت فرقه دمکرات آذربایجان، عضویت آن را پذیرفت و به زودی به عنوان عضو کمیته ولایتی سازمان جوانان فرقه دمکرات مبارزه انقلابی خود را گسترش داد. رفیق اردبیلیان در مهاجرت به جمهوری آذربایجان، ابتدا چندین سال در کارخانه های باکو و سومقاییت به عنوان آهنگر کار کرد. پس از تحصیلات عالی، از سال ۱۳۳۸ تا پایان عمر به عنوان کادر حرفه ای در بخشهای گوناگون سازمانهای فرقه دمکرات به فعالیت پرداخت و سرانجام مسئولیت شعبه تشکیلات را به عهده گرفت. در سال ۱۳۳۹ به عضویت کمیته مرکزی و چندی بعد به عضویت هیات اجرایی فرقه دمکرات آذربایجان درآمد. همچنین مدتی بعد به عضویت در کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شد.

لطفعلی اردبیلیان همچنین در بخش شرق شناسی آکادمی علوم آذربایجان به تحصیلات خود ادامه داد و به اخذ دکترای علوم در رشته تاریخ نائل گردید. پناهندگان توده ای سالهای ۱۳۶۲ به بعد، در مراجعت هایشان به دفتر فرقه، همواره با چهره مهربان و سخنان امید بخش رفیق اردبیلیان روبرو می شدند. او تا پایان عمر بر انقلابی بودن و تعلقش به فرقه دمکرات آذربایجان و حزب توده ایران افتخار می کرد. حزب توده ایران درگذشت رفیق اردبیلیان را به خانواده و همسرمان و رفقای او تسلیت می گوید.

یادش گرامی باد

پشتیبانی می کند و همچنان مساعی خود را برای پیشبرد امر مبارزه با استبداد و ارتجاع در چارچوب مراحل مشخص و متناسب با توان و آمادگی جنبش مردمی بکار گرفته و می گیرد.

هم میهنان گرامی!

به رغم تلاش کودتاچیان، مبارزه در تمام عرصه ها و با استفاده از همه امکانات ادامه دارد و ادامه خواهد داشت.

زنده باد آزادی، طرد باد رژیم ولایت فقیه!

دروود پر شور بر مردم دلیر ایران!

افتخار بر جان باختگان جنبش مردمی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۱ تیرماه ۱۳۸۸

است. فشارهای رژیم برای وادار کردن نامزدهای اصلاح طلبان به سازش با دولت غیر قانونی کودتاچیان و رشد شکاف در درون حاکمیت و مخالفت روز افزون محافل مذهبی و مراجع با عملکرد خامنه ای، دشواری های جدی را برای ادامه برنامه های رژیم در تثبیت کودتای انتخاباتی فراهم آورده است. اعلام نهایی نظر شورای نگهبان پیرامون نتایج انتخابات با هدف "یکسره کردن" کار و وادار کردن موسوی و کروبی به تن دادن به نظر "تهداد قانونی رسیدگی به تخلفات انتخاباتی" برنامه ریزی شده بود. ولی با ادامه مخالفت شجاعانه موسوی و کروبی با این مانورهای مرتجعان حاکم و ادامه اعتراض های مردمی با وجود تحمیل حکومت پلیسی بر شهرهای کشور نشان داد که اکثریت قاطع مردم میهن ما نه تنها حاضر به پذیرش کودتای مرتجعان حاکم نیستند بلکه به شکل جدی ولی فقیه و نوکران مسلح و نیمه مسلح او را به چالش کشیده اند.

مزدوران تبلیغاتی رژیم مترصدند که این نظر را در جامعه جا بیاندازند که جنبش اعتراضی با شکست رو به رو شده است و نامزدهای اصلاح طلبان نیز اگر به خواست آنان برای سازش و ترک صحنه رضایت ندهند سرنوشتی مانند مصاحبه کنندگان روزهای اخیر و در نهایت سرکوب خشن مزدوران امنیتی به بهانه "عوامل استکبار" رو به رو خواهند بود. آنچه مسلم است این است که همه خبرهای رسیده از درون حاکمیت نشانگر بحران عمیقی است که ولایت فقیه و مزدوران او را به شدت تهدید می کنند. ادامه حاکمیت مرتجعان حاکم یعنی استقرار یک حکومت استبدادی-نظامی مطلق که حتی توان تحمل نزدیک ترین همراهان گذشته و برخی از بنیانگذاران جمهوری اسلامی را نیز ندارد.

هم میهنان مبارز!

انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری، با شرکت وسیع توده های مردم از طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی، شور پیکار برای آزادی و رهایی از استبداد ولایت فقیه را دوباره برانگیخت، غرور ملی و حس شریف میهن دوستی، آزادیخواهی و عدالت جویی میلیون ها تن را شعله ور ساخت و ثابت کرد، مردم ما در برابر رژیمی سرکوبگر و عوام فریب هرگز تسلیم نخواهند شد. مردم ما، با شرکت وسیع و هوشیارانه در انتخابات و مبارزات پس از آن و مقاومت در برابر کودتا، به کامل ترین و رساترین شکل ممکن اعلام داشتند، فصل الخطاب و تعیین کننده اراده مردم است. صدای واحد میلیون ها ایرانی در انتخابات و نبرد برضد کودتا، یک نه بزرگ به ولایت فقیه بود. امید، غرور و شجاعی که در مبارزه با ماشین سرکوب رژیم و وحشیگری کودتاچیان باز یافته شد، دیگر خاموش نخواهد شد.

احزاب و سازمان های ملی، مترقی و اصلاح طلب!

ایستادگی و مقاومت قابل ستایش شما فصل نوینی در تاریخ سراسر مبارزه میهن ما گشود. تجربه تاریخ معاصر و به ویژه سالیان اخیر، گویای آن است که همه نیروهای معتقد به آزادی، عدالت و تامین حقوق مردم واستقلال و سربلندی میهن، آنگاه می توانند براستبداد و ارتجاع غلبه کنند که با وجود اختلاف دیدگاه و سلیقه، با دوری جستن از پیش داوری و ذهنی گرایی، در صف واحدی به پیکار بر ضد استبداد و ارتجاع برخیزند. اتحاد، شرط اصلی و نیاز مبرم لحظه کنونی برای تداوم مبارزه با رژیم ولایت فقیه و به عقب راندن ارتجاع حاکم است. با اتکاء به نیروی خلاق توده ها و ضمن هوشیاری و استفاده از همه امکانات و فرصت ها می توان به تداوم مبارزه در شرایط بغرنج و دشوار کنونی دست یافت. حزب ما با تایید ایستادگی احزاب و شخصیت های اصلاح طلب در برابر کودتا و عدم پذیرش انتخابات و دولت برآمده از آن، از همه ابتکارات و اقدامات بزرگ و کوچک سیاسی که در جهت خواست و منافع مردم میهن ما قرار دارد، حمایت و

نقش موثر جنبش زنان در مبارزه با کودتای انتخاباتی

مبارزه ای که طی چند هفته اخیر با کودتای انتخاباتی ارتجاع حاکم صورت گرفت و مقاومت تحسین برانگیز و هوشیارانه مردم علیه رژیم ولایت فقیه، یک بار دیگر، اهمیت فزاینده نقش زنان در جنبش سراسری دمکراتیک و آزادیخواهانه کنونی را برجسته ساخت. در طول روزهای دشوار رویارویی با ماشین سرکوب رژیم و تظاهرات مسالمت آمیز میلیونی، حضور گسترده و توأم با دلیری و تدبیر هزاران زن و دختر کشور از طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی، توان و تحرک و کارایی جنبش مردمی را به میزان غیر قابل تصویری افزایش داده و می دهد.

برخلاف تبلیغات هدمند دستگاه دروغ پردازی جمهوری اسلامی و نیز برخی گزارشات خلاف واقعیت بنگاه های سخن پراکنی معینی درجهان، جنبشی که در مقابل کودتای انتخاباتی شکل گرفت و تمام فد در برابر استبداد ولایی ایستاد، جنبشی اتفاقی، تصادفی و زود گذر و موقت نیست و نمی تواند باشد. بعلاوه نقش گردان های مختلف از جمله جنبش زنان در آن پررنگ، بسیار جدی و تعیین کننده است. جنبش مردمی علیه کودتای انتخاباتی را می توان بدون کمترین شک و تردید، ادامه و امتداد مبارزات خستگی ناپذیر سالیان اخیر که در اشکال متنوع جریان داشته، ارزیابی کرد، بنابراین جنبش اعتراضی کنونی ریشه ژرف در جامعه دارد و به هیچ روی گذرا و موقتی نبوده و علی رغم اعمال فشار سیستماتیک رژیم به رشد، قوام و تداوم خود ادامه خواهد داد و درست به همین علت حضور و نقش زنان نیز در آن فوق العاده موثر و سرنوشت ساز است. مخالفت با جایگاه شایسته زنان در جامعه همواره از سوی واپس گرایان در طول سه دهه گذشته وجود داشته و بویژه در چهار سال اخیر، با روی کار آمدن دولت ضد مردمی احمدی نژاد ابعاد وسیع تر و به همان اندازه نگران کننده تر یافته است. فعالیت پیگیرانه و ستایش برانگیز زنان بر ضد سیاست های ارتجاعی و زن ستیزانه به همراه کوشش بی وقفه برای تحکیم پیوند با دیگر گردان های اجتماعی از سوی جنبش زنان، از ویژگی های مبارزات کنونی علیه استبداد و ارتجاع به شمار می آید. از این رو به هیچ وجه تصادفی نیست که در مقاومت علیه کودتا و در تمام مراحل مبارزه شاهد نقش موثر زنان کشور باشیم. در این خصوص در اوج سرکوب و کشتار مردم حق طلب در خیابان ها توسط مزدوران مسلح سپاه و بسیج، باید به بیانیه فعالان جنبش زنان تحت عنوان، "به سرکوب زنان و مردان ایران پایان دهید، کلیه بازداشت شدگان را آزاد کنید" اشاره نمود. در بخشی از این بیانیه ضمن تأکید بر حضور زنان در مبارزه با ارتجاع حاکم و کودتای انتخاباتی از جمله آمده است: "... امید به تغییر وضعیت، میلیون ها زن و مرد را به پای صندوق های رای کشاند، اما نتیجه شمارش آرا این امید را به یاس بدل کرد و اعتراض گسترده مردمی را برانگیخت طیف وسیعی از فعالان جنبش زنان، در کنار فعالان دانشجویی، کارگری، مدنی و سیاسی، ... در انتخابات شرکت کردند تا به دولت تبعیض نگر نه بگویند و خواهان رفع تبعیض های جنسیتی علیه زنان شوند... ما جمعی از فعالان جنبش زنان ضمن محکوم کردن تمامی اقدامات خشونت بار و تحقیر آمیزی که در این سال ها علیه زنان و مردان ایران و در جهت سرکوب آن ها صورت گرفته است و می گیرد، با تأکید بر تداوم تلاش برای احقاق خواسته های جنبش زنان ... همبستگی خود را با مترضان به نتایج انتخابات اعلام می داریم، و خواستار آزادی بی قید و شرط بازداشت شدگان چند روزه اخیر، و تأمین و تضمین آزادی های مدنی و سیاسی در ایران هستیم." بودند و هستند، محافل و جریاناتی که تلاش دارند مبارزه زنان میهن ما را کم اهمیت و صرفاً در دایره "حقوق زن" معرفی سازند. مقاومت در برابر کودتا و رشادت و دلیری کم نظیری که زنان ایرانی از طبقات مختلف از خود بروز دادند و میزبان تأثیر جنبش زنان و حقوق دمکراتیکی که بیان می دارند، در رشد و گسترش جنبش مردمی و ایستادگی مقابل کودتای انتخاباتی اخیر، خط بطلان بر تمام نظرات و تحلیل هایی است که از درک درست توانایی مبارزات زنان در پیکار سراسری ضد استبدادی عاجز هستند! نقش موثر زنان و به طور کلی جنبش برابری طلبانه زنان در حوادث اخیر ثابت کرد، مبارزه در راه حقوق دمکراتیک از جمله و خصوصاً حقوق انکار ناپذیر زنان و رهایی از تبعیض جنسیتی تا چه حد در تقویت و قوام مبارزه سراسری با اهمیت و غیر قابل چشم پوشی می باشد. بنابراین شکفت آور و تصادفی نیست زنان در جنبش مردمی بر ضد کودتای انتخاباتی و دولت غیر قانونی و نامشروع برآمده از آن فعال باشند و ابتکارات آنان در صحنه مبارزه، سیاست و مانورهای واپس گرایان حاکم تحت هدایت ولی فقیه را به چالش بکشد!

جامعه ما ایستن حوادث بزرگی است، علی رغم تلاش مزدوران ولی فقیه و نهادهای سرکوبگری چون سپاه پاسداران، مبارزه با استبداد و ارتجاع پایان نیافته و یاس و سرخوردگی بر جنبش حاکم نیست. در نبرد سرنوشت ساز پیش روی، جنبش زنان نقش مهم و وظایف خطیری بر دوش دارد. بخشی از سطح آمادگی مبارزاتی توده ها علیه دیکتاتوری ولایت فقیه، وابستگی تام و تمام به توانایی و تأثیر جنبش زنان باید این توانایی ها را تقویت کرده و برای رویارویی تعیین کننده آماده شد.

"نامه مردم" در جشن نشریه "عصر ما"

جشن دو سالانه نشریه "عصر ما"، ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان (د.ک.ا.پ) - که به جشن همبستگی بین المللی مشهور است - از ۲۹ تا ۳۱ خرداد (۱۹ تا ۲۱ ژوئن) در پارکی بزرگ در شهر "دورتموند" برگزار شد. در این جشن نشریه های ارگان مرکزی ۳۰ حزب کمونیستی و کارگری، از جمله "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران، به دعوت حزب کمونیست آلمان حضور داشتند. شرکت بیش از پنجاه هزار نفر در این جشن که اکثر آنان دختران و پسران جوان بودند، چشمگیر بود. امسال بر دیواره های چادر "نامه مردم" علاوه بر تصویر قهرمان های توده ای، مبارزان جان باخته در راه بهبود زندگی توده ها و زحمتکشان میهن، تصویرهایی از شکسته شدن خاموشی دریا آویخته بود. در این تصویر ها دریای جوشان مردم، اعتراض کنان به خیانت ولی فقیه و عمده های ظلمش به آرای مردم، مقاومت دلیرانه دختران و پسران، زنان و مردان، دانشجوی، کارمند، کارگر، دهقان، پیر و جوان، و نیز تصویر باندهای سیاه لباس شخصی، گارد ویژه، نیروی انتظامی و دیگر عمده های حاکمان بر زمین سفالت های آغشته به خون خیابان ها نشان داده می شد.

نوای سرودهای میهن معترض و به پا خاسته در فضای اطراف چادر "نامه مردم" طنین افکن بود:

"خس و خاشاک تویی دشمن ایران تویی!"

تراکت هایی که آخرین وضعیت های جنبش را به اطلاع می رساند، و اعلامیه های کمیته مرکزی، که در طول روزهای جشن تا شش شماره منتشر شده بود، به آلمانی نیز در دسترس باز دید کنندگان قرار می گرفت. هواداران و اعضای حزب، ضمن پخش صدها تراکت بین حاضران در پارک، روند تقلبات انتخاباتی، اخبار تحولات جنبش در تهران و شهرستان ها، و مواضع حزب در این ارتباط به طور شفاهی هم توضیح می دادند، و برخی توهم ها در خصوص به اصطلاح مواضع ضد امپریالیستی احمدی نژاد که برای برخی هواداران آلمانی گرایش های چپ ایجاد شده و به جنبش اعتراضی و پر شکوه مردم به دیده تردید می نگریستند، توضیحات اقناع کننده می دادند. در این جشن در کنار برنامه های متنوع سیاسی، فرهنگی، و هنری، سخنرانی ها و گفت و شنود هایی در باره چهار مقوله عمده زمان حاضر برای شرکت کنندگان در جشن تدارک دیده شده بود:

۱. مبارزه در دوران بحران سرمایه داری؛
۲. سرمایه داری در بحران - سوسیالیسم امری ممکن؛
۳. آیا حزب کمونیست به دوران ما تعلق دارد؟
۴. راه های برون رفت از بحران و زمان ائتلاف های اجتماعی.

اوضاع بحرانی ایران در شرایط تقلبات گسترده به نفع نامزد ارتجاع و خرافه، در گردهم آبی ها به موضوعی مورد علاقه همگان مبدل شده بود. نماینده حزب توده ایران نمایندگان احزاب برادر و همچنین دیگر میهمانان جشن را در جریان آخرین خبرهای تحولات خیزش اعتراضی مردم قرار داد.

در چادری که به موضوع خیزش اعتراضی در ایران اختصاص داده شده بود، نماینده حزب ما شنوندگان را در جریان آخرین تحلیل های حزب قرار داد، و به پرسش های متعدد آنان در باره مواضع سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی احمدی نژاد و نیز تبلیغات گسترده واپس گرایان در باره وقوع انقلاب محتملی از سوی مردم و توهم ضد امپریالیست بودن رئیس جمهور مردم ستیز پاسخ داد. اکثر حاضران از توضیحات نماینده حزب توده ایران استقبال کرده و تمایل خود را به آگاهی بیشتر از تحولات ایران ابراز کردند. در آخرین روز و در پایان مراسم جشن، خبرنگار نشریه "عصر ما" با نمایندگان حزب توده ایران مصاحبه کرد، که پرسش ها به طور عمده در باره جنبش اعتراضی مردم بر ضد تقلبات، فریب کاری ها و دروغ پردازی های مرتجعان وامانده و انصارشان، و نیز در باره مواضع حزب ما نسبت به این جنبش دور می زد.

در جشن امسال نشریه "عصر ما"، استقبال هموطنان از چادر "نامه مردم" چشمگیر بود.

ادامه پیام های همبستگی احزاب کارگری و ...

در کنار و هم سنگر با مردم ایران، زمانی که با رژیم گوش بفرمان امپریالیسم درخاور میانه، یعنی رژیم مستبد شاه می رزمیدند همین امید و آرزو را داشتیم، آرزوی ما تحقق یافت، گرچه، این انقلاب بزرگ توسط ولایت فقیه پایمال شد ... مبارزه امروز و شجاعت ستودنی توده های مردم پایه های رژیم ولایت فقیه را به لرزه انداخته است. این مبارزه کاملا مردمی و دموکراتیک است، زیرا برای تغییرات، تامین حقوق سیاسی صورت می گیرد، در ایران، با وجود اینکه یکی از بزرگترین کشورهای نفت خیز می باشد، کارگران و توده های محروم جامعه به سختی از سیاست های رژیم و بحران مالی لطمه دیده اند. کارگران و مردم ایران به مانند دیگر زحمتکشان در جهان هیچگونه مسئولیتی در پدید آمدن بحران مالی نداشته اند، اما بیشترین خسارت و صدمه را می بینند. این هم یک جنبه جنبش اعتراضی است که باید به آن دقت داشت. مبارزه ای که در ایران برای آزادی و دموکراسی در جریان است، مبارزه ما نیز هست. اعلام می کنیم، از شما حمایت کرده و بهترین آرزوها را به شما تقدیم می داریم. پیروزی شما، پیروزی ماست. زنده باد مبارزه مردم ایران برای آزادی

ترقی خواهان ضد امپریالیست انگلستان کودتای انتخاباتی رژیم را محکوم می کنند!

اجلاس سالانه سازمان ضد استعماری و ضد امپریالیستی لیبراسیون، که مورد حمایت نیروهای ترقی خواه، جنبش اتحادیه های کارگری، کمونیست ها و محافل مارکسیستی حزب کارگر در بریتانیا، می باشد، در روز شنبه ۱۳ تیرماه با تصویب قطعنامه همه جانبه ای عملکرد کودتا گرانه رژیم را محکوم کرد. لیبراسیون همچنین عضو مشاور سازمان ملل می باشد و هر ساله در جریان کار اجلاس سالانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل با ارائه قطعنامه هایی در مخالفت با سرکوب جنبش های خلقی در کشورهای جهان عمل می کند. این اجلاس که به رهبری جرمی کوربین، از رهبران چپ حزب کارگر و فعالان سرشناس انترناسیونالیست جنبش کارگری و عضو پارلمان انگلستان، برگزار شد پس از بحث در مورد تحولات اخیر ایران و مطالعه فاکت های موجود در رابطه با جنبش مردمی خواستار ابطال انتخابات، قطعنامه صریحی را در رابطه با محکومیت رژیم ولایت فقیه و در همبستگی با جنبش مردمی به تصویب رساند. تصویب این قطعنامه با توجه به کوشش های سفارت رژیم در لندن و بنگاه خبر پراکنی "پرس تی.وی." برای ارائه تصویر مخدوشی از جنبش اعتراضی مردم ایران و به سکوت کشاندن چهره های برجسته، ترقیخواه و دموکرات جنبش کارگری انگلستان اهمیت دوچندانی پیدا می کند.

سازمان لیبراسیون در راستای بیش از پنج دهه مبارزه بر علیه استعمار و حمایت از جنبش مردمی ایران مصوب کرد که شورای مرکزی آن فعالیت های مشخصی برای بسیج محافل ترقی خواه انگلستان در رابطه با همبستگی با مردم ایران سازمان بدهد. در ادامه متن کامل قطعنامه مصوب اجلاس سالانه لیبراسیون جهت اطلاع افکار عمومی در ایران منتشر می گردد.

ایران

مجمع عمومی سالانه لیبراسیون ناظر ادامه نقض حقوق بشر و سرکوب مردم در ایران، به ویژه در روزهای پس از انتخابات ریاست جمهوری در ماه ژوئن (خرداد) است. شرکت در صد بسیار زیادی از مردم در این انتخابات توجه جامعه جهانی را به این واقعیت جلب کرد که مردم ایران خواهان تعیین سرنوشت خود هستند و فعالانه در این راه می کوشند. اما اعلام نتیجه انتخابات به فاصله دو ساعت پس از بسته شدن حوزه های رای گیری، که حاکی از پیروزی رئیس جمهوری کنونی، محمود احمدی نژاد، و وجود فاصله عظیمی بین آرای او و نامزدهای دیگر بود، موجی از نارضایتی در میان نامزدهای شکست خورده و حامیان آنها علیه تقلب در نتایج انتخابات به دنبال آورد. در واکنش به خواست مردم برای بازشماری آرا یا ابطال

نیروهای ارتجاعی دستاوردهای انقلاب ۱۳۵۷ ایران بر ضد رژیم آمریکائی شاه را که گامی در جهت دستیابی به آزادی و عدالت اجتماعی در این کشور بود نابود کردند. حاکمیت ارتجاعی مذهبی طی ۳۰ سال اخیر از طریق تشدید اختناق، سرکوب، شکنجه، پیگرد نیروهای سیاسی، و بخصوص پیگرد کمونیست ها و فعالین کارگری، صدمات بزرگی بر مردم ایران وارد آورد. همه اینها روشهایی است که حکومت های هار سرمایه داری علیه خلق خویش به کار می گیرند تا حاکمیت خود را حفظ نمایند. طبقه حاکم در ایران همچنان به استفاده خود از مذهب بعنوان پرده ساتری برای پنهان کردن مقاصد اصلی خویش، که همان ادامه و حفظ حاکمیتی سرمایه داری در شکل حاکمیت مطلق خلیفه گری اسلامی است، ادامه می دهد. همزمان نیروهای امپریالیستی در آمریکا، انگلیس و اتحادیه اروپا به دخالت خویش در امور ایران ادامه می دهند. آنها امیدوارند که با جایگزین کردن حاکمان کنونی ایران با آنانی که سرسپردگی مطلق به خواست های امپریالیسم دارند بتوانند از به واقعیت پیوستن خواست اصلی مردم ایران برای تغییرات بنیادین و دموکراتیک در این کشور جلوگیری نمایند.

حزب کمونیست سوئد هرگونه بهانه جوئی امپریالیست ها برای حمله به ایران را محکوم می نماید.

حزب کمونیست سوئد هرگونه دستیازی به اقدامات سرکوب گرانه بر علیه اراده و خواست مردم ایران و یا تلاش برای مسخ و واژگون نشان دادن اهداف مبارزات مردم ایران را محکوم می نماید.

حزب کمونیست سوئد خواهان آزادی فعالیت سیاسی برای حزب توده ایران و دیگر کمونیست ها است.

حزب کمونیست سوئد خواهان آزادی فعالین سندیکائی زندانی و همچنین آزادی تمامی زندانیان سیاسی است که به دلیل مبارزه در راه احقاق حقوق کارگران، زحمتکشان و مردم ایران به بند کشیده شده اند. این تنها مردم ایران هستند که حق دارند، بدون دخالت نیروهای خارجی و تنها بر پایه خواست و امکانات خویش، راه حلی برای شرایط بحرانی موجود در کشور بیابند.

حزب کمونیست سوئد

استکهلم - ۲۹ ژوئن ۲۰۰۹

مبارزه ای که در ایران جریان دارد، مبارزه ما نیز هست!

در خلال حوادث اخیر میهن ما، حزب کمونیست، نیروهای چپ و مترقی دانمارک، همبستگی عمیق خود را با مبارزات مردم ایران با اشکال گوناگون بیان داشتند.

درگردهمایی اعتراضی ایرانیان در مرکز شهر کپنهاگ، رفیق فرانک اُون، کمونیست با سابقه و نماینده کنونی مجلس دانمارک (از لیست اتحاد، سرخ ها و سبزه ها) از زمره شرکت کنندگان و سخنرانان اصلی بود. وی که قبلا سردبیر ارگان مرکزی حزب کمونیست بود و اینک عضو مجلس و عضو کمیسیون روابط خارجی این مجلس است، با سخنان پر شوری همبستگی همه ترقی خواهان دانمارک با مردم میهن ما را اعلام داشت. وی از جمله گفت: "به شما ایرانیان، به مردم شجاع ایران و به رفقای عزیز هم مرام ایرانی ام درود می فرستم، که با حضور میلیونی خود در خیابان ها برای آزادی و علیه دیکتاتوری مبارزه می کنید. حضور دلیرانه شما اثر خود را در جهان باقی گذارده و الهام بخش دیگر خلق ها برای نیل به آزادی، عدالت و پیشرفت است. ما هم از شما می آموزیم، وقتی ایرانیان می توانند، ما نیز می توانیم. مبارزه دلیرانه مردم ایران، صحت این نظر را که جنگ و اشغال نظامی راه رسیدن به دموکراسی نیست، ثابت می کند.

پیکار شورانگیز مردم ایران به همه نشان می دهد، باید از مبارزه دموکراتیک مردم حمایت کرد و جنگ، خون ریزی، خشونت و اشغال را برای همیشه مردود دانست.

دیکتاتوری ها در یونان، پرتغال، اسپانیا و آلماتاید در آفریقای جنوبی به همت مبارزات مردمی سرتکون شدند، امیدواریم، تا این امر در ایران هم صورت تحقق پذیرد. این امید ما، بی پایه نیست، ما سی سال قبل

ادامه پیام های همبستگی احزاب کارگری و ...

انتخابات، مقام‌های حکومتی ایران برخلاف قانون اساسی کشور هرگونه اقدام اعتراضی را منع کردند و اقدام به بازداشت فعالان سیاسی و حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، دانشجویان، فعالان حقوق زنان، دانشگاهیان و بسیاری از اعتراض‌کنندگان کردند. رژیم ایران همچنین خدمات و وسایل ارتباط جمعی، از جمله تلفن‌های همراه و اینترنت و... را قطع کرد. با ادامه اعتراض‌ها حکومت موضع سرسختانه تری گرفت و نیروهای مسلح را وارد عمل کرد، که منجر به تعدادی کشته، صدها زخمی، و هزاران مورد بازداشت مردم شد.

مجمع عمومی سالانه حاضر لیبراسیون استفاده از نیروهای سرکوبگر و فشنک‌های واقعی توسط رژیم ایران در مقابله با اعتراض مسالمت‌آمیز مردم عادی نیست به تقلب بی‌سابقه در نتیجه انتخابات را محکوم می‌کند.

مجمع عمومی سالانه لیبراسیون، همراه با مردم ایران و تمام نیروها و جریان‌های مترقی ایران، بر این عقیده است که برآمد انتخابات ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ (۲۲ خرداد ۱۳۸۸) در ایران حاکی از پیروزی قاطع کاندیدای اصلاح طلب در کشور بود، ولی رژیم ایران از پذیرش رأی و داوری مردم سر باز زده است. در نتیجه، ایران به دست رژیم ارتجاعی آن کشور در یک بحران سیاسی بی‌سابقه گرفتار شده است و جامعه بین‌المللی موظف است که از بیکار مردم ایران در راه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران حمایت کند.

مجمع عمومی سالانه حاضر لیبراسیون نگران عملکرد اخیر رژیم ایران در سرکوب بی‌رحمانه خواست‌های دموکراتیک مردم است که آن را ادامه سیاست‌ها و برخوردهای آن در گذشته می‌داند.

این مجمع عمومی همچنین شاهد آن است که: وضعیت حقوق بشر در ایران در سال‌های اخیر همچنان وخیم‌تر می‌شود، و تمام پیمان‌ها و کنوانسیون‌های پذیرفته شده بین‌المللی کماکان به طرز فاحشی نادیده گرفته می‌شود؛

رژیم ایران به صورت سازمان‌یافته‌ای حق آزادی بیان، حق تجمع، حق اقدام به اعتراض و تظاهرات مسالمت‌آمیز، حق اعتصاب در دفاع از دستمزدها و شرایط کار را نقض می‌کند؛

فعالان کارگری و سندیکایی، از جمله رهبر سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران حومه، منصور اسانلو، کماکان در بازداشت به سر می‌برند؛

حمله نیروهای امنیتی رژیم به سندیکای کارگران هفت تپه و دستگیری و زندانی کردن اعضای هیئت مدیره آن ادامه دارد؛

حمله رژیم علیه هر گونه تلاشی توسط کارگران برای تشکیل سندیکاهای مستقل مطابق با کنوانسیون‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار ادامه دارد؛

دستگیری فعالان حقوق زنان، و تبعیض سیاسی، حقوقی و اجتماعی نسبت به زنان ادامه دارد.

مجمع عمومی سالانه حاضر لیبراسیون خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و به ویژه منصور اسانلو، رئیس سندیکای شرکت واحد، و نیز دستگیرشدگان هفته‌های اخیر است.

مجمع عمومی سالانه حاضر لیبراسیون از مقام‌های ایرانی می‌خواهد که کنوانسیون‌ها و پیمان‌های بین‌المللی کلیدی از قبیل کنوانسیون‌های مصوب سازمان جهانی کار در ارتباط با حق کارگران در عضویت در سندیکاها و مذاکره برای قراردادهای دسته‌جمعی را به رسمیت بشناسد و به آنها عمل کند.

مجمع عمومی سالانه حاضر لیبراسیون، سازمان لیبراسیون و دیگر سازمان‌های حقوق بشر را فرا می‌خواند که با نیروها و سازمان‌های اصیل و واقعی مردمی در ایران، و نیز دیگر سازمان‌های مترقی همبستگی با مردم ایران، همکاری و همیاری کنند.

ادامه در دفاع از جنبش مردم ...

متحدان آن وسیعاً همکاری کرده اند و از جمله به هوپیمای‌های جنگنده آمریکا اجازه پرواز در حریم فضایی ایران برای حملات غافلگیرانه به مراکز استراتژیک افغانستان را داده اند. همچنین در جریان تدارک حمله نظامی به عراق در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ نیروهای وابسته به آمریکا و از جمله "کنگره ملی عراق" به رهبری احمد چلبی با اطلاع و حمایت مالی ایالات متحده از طریق خاک ایران در مرزهای غربی کشور عمل می‌کرده اند. نمایندگان رسمی رژیم در کنفرانس امنیتی مونیخ، در فوریه ۲۰۰۹، علناً و رسماً خطاب به "خاور سولانا"، مسئول سیاست خارجی و دفاعی اتحادیه اروپا و "جوزف بایدن"، معاون رئیس جمهور آمریکا و "رابرت گیت"، وزیر دفاع این کشور اعلام کرد در صورتیکه منافع جمهوری اسلامی در نظر گرفته شود، ایران حاضر است که برای ایجاد ثبات سیاسی در افغانستان ایفای نقش و با طرح‌های امپریالیستی همکاری بکند.

عیار "ضدیت" رژیم ولایت فقیه با امپریالیسم از همان قماش نیروهای نظیر "بن لادن" ارتجاعی، صدام حسین دیکتاتور فاشیست و عمر بشیر، رئیس جمهور سودان است که میزان تبعیت و تعاملشان با امپریالیسم بستگی به منافع زودگذرشان دارد. این حقیقتی است که چنین نیروهای صرفنظر از مشکلات مقطعی با برخی طرح‌های امپریالیستی، در رابطه با اهریمنانه‌ترین طرح‌های امپریالیسم بر ضد منافع خلق‌ها، هم آهنگ و متحد با شیطان عمل کرده اند.

از نظر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نیز عملکرد رژیم حاکم در ایران هیچ نزدیکی با مبارزات اصیل ضدامپریالیستی ندارد. به گواه تمامی داده‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی به صورت پیگیری یک نسخه تمام عیار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را دنبال کرده و می‌کند. و امروز نیروهای حاکم در میهن ما از نظر طبقاتی نیروهای وابسته به کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک رشد یافته در دستگاه عمیقاً فاسد دولتی هستند. بیکاری نزدیک به ۲۰ درصد نیروی کار، تورم ۲۵ درصدی، زندگی میلیون‌ها ایرانی زیر خط فقر که حتی بر اساس اعترافات سخنگویان رژیم تا حد ۱۵ میلیون نفر می‌باشد، در کنار فساد و فحشاء گسترده در جامعه نتیجه منطقی سیاست‌های رژیم بوده است. خصوصی سازی‌های پر دامنه، حرکت به سمت حذف اصل ۴۴ قانون اساسی، به دستور ولی فقیه، که از دست آوردهای انقلاب مردمی بهمن ۱۳۵۷ بود و حمله وحشیانه به نهاد‌های سندیکائی و تشکل‌های کارگری، دستبرد به حقوق و شرایط کاری کارگران و زحمتکشان در راستای اصلی سیاست‌های رژیم فقهاتی قرار دارد. سران و فعالان جنبش سندیکائی در زندان‌ها تحت شکنجه و داغ و درفش قرار دارند. فعالیت نیروهای چپ راستین و کمونیست‌ها غیر قانونی و مورد سرکوبگرانه‌ترین فشارها قرار دارد. آیا هیچ نیروی واقعی ضدامپریالیست می‌تواند چنین مشخصه‌هایی ارتجاعی و ضد مردمی داشته باشد؟ ما به آن پاسخ منفی می‌دهیم. باید با درک بخرنجی‌های طبیعی تحولات حاضر در ایران و حذر از نتیجه‌گیری‌های خام و ساده اندیشانه، به صورت یکپارچه در کنار و همدوش نیروهای چپ، دموکرات، ترقی خواه و کمونیست‌های ایران پرچم حمایت از جنبش مردم ایران، جنبشی که وسیع‌ترین اقشار و طبقات مردم ایران در آن شرکت دارند، را بر افراشته نگاه داشت. حمایت بخش‌های وسیع نیروهای مترقی، چپ و جنبش کارگری و کمونیستی جهان از مبارزات مردم ایران: کارگران، زنان دانشجویان و جوانان، نویسندگان، نیروهای ملی و مذهبی و خصوصاً نیروهای جنبش کارگری - کمونیستی ایران، تجلی نیرومندی از مبارزه جهانی ضدامپریالیستی و انترناسیونالیستی جنبش کمونیستی - کارگری جهان است.

ادامه در دفاع از جنبش مردم ...

کشورهای آمریکای لاتین و سعی به بسیج برخی از دولت‌ها در جنبش چپ به واسطه گری برای کند کردن لبه تیز انتقادات جنبش چپ در رابطه با سیاست‌های رژیم تئوکراتیک از این زمره اند.

سران رژیم همچنین در رابطه با تحولات اخیر توانسته‌اند که با بهره‌گیری از اهرم‌های اقتصادی و دیپلماتیک خود در چند کشور جهان مانع عکس‌العمل جدی نیروهای سیاسی مشخصی در رابطه با تحولات کشور شوند. یکی از جوانبی که در هفته‌های اخیر به صورت برجسته‌ای مشخص گردید میزان تاثیر چنین روابطی در موضع‌گیری کشورهایی است که در تحلیل نهایی در چارچوب محدود منافع ملی خود عمل می‌کنند. ایران به دلایل گوناگون، اما غیر ایدئولوژیک، و از جمله قراردادهای تجاری-اقتصادی روابط نزدیکی با برخی از کشورهای آمریکای لاتین و به ویژه ونزوئلا دارد. اکثر این کشورها به دلیل سیاست‌های مستقل و مترقی خود مورد تهدید آمریکا و متحدان آنان قرار دارند و لذا طبیعی است که برای ایجاد شکاف در حلقه محاصره امپریالیستی در سطح جهان به دنبال متحدانی باشند. علاوه بر این ونزوئلا در پیمان بین‌المللی اوپک مواضع مشابهی با ایران دارد. لذا این طبیعی است که از دیدگاه روابط بین‌دولتی، ونزوئلا و یا کشورهای نظیر آن در آمریکای لاتین ابراز کننده نظریات مثبتی در قبال رژیم حاکم باشند. برای نیروهای مترقی جهان و ایران مقاومت این کشورها در مقابل توطئه‌های امپریالیستی مبارزه‌ای ارزشمند و قابل دفاع است ولی صرف مبارزه ملی و ضد امپریالیستی این کشورها دلیلی برای پذیرش مواضع دیپلماتیک متضاد و بده‌بستان‌های این کشور با رژیم مستبد و تاریک اندیشی همچون رژیم ولایت فقیه، از سوی ما و دیگر نیروهای مترقی جهان نیست. نیروهای ترقیخواه ایران و دموکرات‌های ایران نمی‌توانند نگرانی و عدم خشنودی خود از موضع‌گیری‌های محافل رسمی چندین کشور و به ویژه دولت جمهوری بولیواری ونزوئلا در رابطه با حمایت از مواضع رژیم و مقابله آشکار با جنبش مردمی ابراز نمایند. این کشورها بر پایه مناسبات تجاری و دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی متاسفانه چشم بر واقعیت‌های تحولات اخیر ایران بسته و عملاً در مقابل جنبش مردمی ایران قرار گرفته‌اند. ما ضمن توجه به دشواری‌های ونزوئلا برای حفظ خود در مقابل تهاجمات امپریالیسم و تصمیم‌گیری‌های این کشور برای داشتن روابط اقتصادی-تجاری با رژیم حاکم در ایران و رئیس‌جمهور ارتجاعی آن، به رهبران دولت ونزوئلا توصیه می‌کنیم که از برداشت‌های سطحی و نادرست از ماهیت تحولات کنونی ایران و دگرگونه جلوه دادن آن و زیر علامت سؤال بردن اصالت جنبش مردمی میهن‌مان پرهیز کنند.

رژیم حاکم بر ایران (و دولت کارگزار آن به ریاست آقای محمود احمدی‌نژاد)، نه توانی برای ایفای نقش در صحنه مبارزه ضد امپریالیستی دارند و نه سیاست‌های آن در چنین راستائی است. درگیری‌ها و مشاجرات بین امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران در چارچوب تقسیم حیطه نفوذ در خاورمیانه است. جمهوری اسلامی ایران امروز به مثابه کشور قدرتمندی در منطقه برای خود امتیازات و حیطه نفوذ ویژه‌ای قائل است. جمهوری اسلامی ایران آنجا که دخالت‌های امپریالیسم در خاورمیانه را به نفع خود می‌داند، رسماً و وسیعاً با امپریالیسم آمریکا و متحدان آن همکاری کرده و می‌کند. همکاری کلیدی و بسیار تعیین‌کننده جمهوری اسلامی در جریان تهاجم نظامی ایالات متحده عراق و افغانستان و اشغال این دو کشور مثال‌های آموزنده‌ای در این زمینه است. سران جمهوری اسلامی تصدیق کرده‌اند که در جریان حمله نظامی ایالات متحده به افغانستان در سال ۲۰۰۱ با نیروهای آمریکائی و

دوست، فعالان جنبش زنان و دیگران فاجعه آفرید. در هفته‌های اخیر جنبش اصیل مردمی و آزادخواهانه مردم ایران و مبارزه قهرمانانه این جنبش برای پیشبرد امر اصلاحات دموکراتیک در مرکز توجه و حمایت افکار عمومی جهان قرار گرفته است. کمتر کسی را می‌توان یافت که صحنه‌های تقابل خشن نیروهای امنیتی-نظامی رژیم خونریز حاکم، در تهران و دیگر شهرهای کشور، با مردم دست‌خالی و پرامید را نبیند و از زنان، جوانان و زحمتکشانی که این چنین دلیرانه در مقابل سپاهیان تاریک اندیشی و جهل مقاومت می‌کنند، حمایت نکند.

واقعیت این است که رژیم ولایت فقیه و دولت برگمارده آن در چهار سال گذشته با اتخاذ سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی بخش بزرگی از استعداد‌های انسانی و طبیعی ایران را به باد داده است. ایران غنی از منابع نفت و گاز در فقر، در بحران اقتصادی و اجتماعی، در فساد و فحشا دست و پا می‌زند. سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم، ایران را در انزوای بین‌المللی بی‌سابقه‌ای قرار داده است و در شرایط کنونی توازن قوا در صحنه جهانی استقلال سیاسی و تمامیت ارضی میهن ما را توسط محافل جنگ طلب امپریالیستی با تهدیدهای جدی رو به رو کرده است.

روشن است که وضعیت مبارزه مردم ما و همچنین توجه جهانی به رویدادهای کشور ما آنچنان است که هیچ نیروی سیاسی بی‌نی می‌تواند در مقابل این وضعیت بی‌نظر بماند. یا باید در حمایت از مبارزه مردم در کنار آن قرار گرفت و یا در کنار رژیمی که به لحاظ سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک-اجتماعی و فرهنگی عقب مانده، ارتجاعی و ضد مردمی است. آنچه که در رابطه با صف بندی نیروهای سیاسی و اجتماعی در درون ایران می‌توان گفت این است که مواضع سیاسی همه نیروهای ترقی خواه، چپ و دموکرات و اصلاح طلب ایران در راستای دفاع از جنبش اصیل مردمی و در محکومیت سیاست‌های رژیم است. حتی نیروهای طرفدار رژیم زیر فشار واقعیت‌های گریزناپذیر تحولات و مشاهده اوج و وسعت جنبش مردمی چند پارچه شده‌اند و بخش‌هایی از آن انتقادهای جدی‌ای را در رابطه با عملکرد دولت احمدی‌نژاد و ضرورت تغییر در مسیر حرکت جامعه را پذیرفته‌اند.

در صحنه بین‌المللی نیز اکثریت قاطع نیروهای ترقی خواه و دموکرات و از جمله احزاب کمونیست با اعلام حمایت از کارزار وسیع زنان، جوانان و مردم معترض و محکوم کردن سرکوب خونین جنبش اعتراضی در کنار این قیام مردمی قرار گرفته‌اند.

متاسفانه نمی‌توان بر این حقیقت چشم پوشی کرد که هستند نیروهای محدودی در سطح جهان که در ارزیابی‌های اولیه خود در تله محیلانه و ظریف رژیم حاکم افتاده‌اند، که مذبحخانه سعی دارد این مبارزه اصیل مردمی در راستای صلح، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی را به مثابه تظاهر تحریکات خارجی و برون مرزی جلوه دهد. کوشش برخی عناصر و نیروها در ابراز تردید به محتوی اصیل جنبش مردمی و تحت تاثیر محافل برون مرزی بودن شعارها و خواسته‌های قیام با شکوه مردم ایران متاسفانه قبل از هر چیز ریشه در درک جزمی و غیر منعطف نیروهای دارد که درک دقیق و همه جانبه‌ای از امپریالیسم و مبارزه ضد امپریالیستی ندارند. این حقیقت را نیز نمی‌توان از دید دورنگاه داشت که چنین موضع‌گیری‌هایی قبل از اینکه بار معرفتی داشته باشد، انعکاس بی‌اطلاعی این نیروها، و درک سطحی آنان از محتوی مبارزات و شعارهای دروغین و پوپولیستی رژیم فقه‌گراست. همچنین این مسئله نیز حائز اهمیت است که رژیم درامه‌های اخیر در این راستا سرمایه‌گذاری همه جانبه کرده است. تاسیس شبکه تلویزیونی بین‌المللی "پرس تی.وی." که در برنامه‌های آن برخی از چهره‌های جنبش صلح و چپ به کار گرفته شده‌اند، فعالیت سایت‌های اینترنتی مشخصی که با پوشش کاذب چپ و زیر پرچم عدالت خواهی دروغین به مشاطه‌گری چهره کریه رژیم دیکتاتوری برخاسته‌اند، تماس‌های هدفمند سفارتخانه‌های رژیم با احزاب چپ و کمونیست جهان، سرمایه‌گذاری کاسبگرانه روی روابط تجاری-اقتصادی-دیپلماتیک رژیم با برخی

ادامه کودتای نظامی در هندوراس...

حزب توده ایران کودتای نظامی در هندوراس را محکوم می کند!

کمیته مرکزی حزب توده ایران کودتای نظامی در هندوراس بر ضد پرزیدنت مانوئل زلایا، رئیس جمهور منتخب مردم، را به مثابه عملی در نقض حاکمیت ملی و در راستای منافع محافل ارتجاعی و امپریالیسم جهانی محکوم می نماید.

به گزارش خبرگزاری های جهان نیروهای نظامی راستگرا در مخالفت با برگزاری یک همه پرسی مشورتی در مورد ضرورت تغییر دادن قانون اساسی و در تداوم تحولات دموکراتیک کشور به این کودتا دست زده اند. کودتاچیان در جریان اجرای کودتا سعی در اختلال در سیستم خبر رسانی داشته و در بخش هایی از کشور، خدمات برق و تلفن را به منظور بی خبر نگاه داشتن مردم از سیر تحولات قطع کرده اند. اما در پی اطلاع از کودتا، مردم کشور دست به تظاهرات اعتراض آمیز زدند و با نیروهای پلیس و ارتش درگیر شده اند.

حزب توده ایران که در سه هفته گذشته در کنار مردم ایران در تدارک سازماندهی جنبش مقاومت مردمی بر ضد قانون شکنی ها و تقلبات انتخاباتی نیروهای راست افراطی و شدیداً واپس گرا در ایران بوده است، به وضوح دلایل خشم مردم و زحمتکشان هندوراس و حقانیت جنبش اعتراضی آنان را درک می کند. حزب توده ایران همدوش با نیروهای دموکراتیک و ترقی خواه جهان و از جمله احزاب کمونیست - کارگری جهان ضمن محکوم کردن کودتا علیه دولت قانونی هندوراس، خواهان آن است که کودتاچیان مورد تحریم نظامی، سیاسی، دیپلماتیک همه جانبه بین المللی قرار گیرند تا رئیس جمهوری قانونی و منتخب مردم به کشور و قدرت بازگردانده شود.

حزب توده ایران کودتای نظامیان هندوراس را به شدت محکوم می کند و همصدا با همه نیروهای مترقی جهان خواستار پایان دادن به خسونت نظامیان برضد اعتراض کنندگان غیرنظامی است. ما همبستگی خود را با مدافعان حقوق دموکراتیک در هندوراس اعلام می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۰ تیرماه ۱۳۸۸

اعلام کرد. قابل توجه است که در این هر دو نهاد، اعضای حزب ملی هندوراس که از احزاب محافظه کار افراطی این کشور است و دیگر مخالفان زلایا حائز اکثریت هستند. در پی این تصمیم دیوان عالی کشور، توده های مردم به هواداری از رئیس جمهور به خیابان ها ریختند. همزمان، ژنرال واسکوئز فرمانده ارتش هندوراس از پخش برگه های همه پرسی در حوزه های رأی گیری سر باز زد، که در نتیجه روز چهارشنبه ۳ تیر رئیس جمهور زلایا، که فرماندهی کل قوا را نیز به عهده دارد، این ژنرال را از مقامش برکنار کرد. در اقدام تلافی جویانه، دیوان عالی کشور این برکناری را مغایر با قانون اساسی اعلام کرد، که این بار نیز توده های مردم برای حمایت از رئیس جمهور و در دفاع از همه پرسی برای تغییر قانون اساسی، در خیابان های پایتخت، تگوسیگالپا، دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. جمعه شب رئیس جمهور در یک کنفرانس مطبوعاتی همراه با گروهی از سیاستمداران از احزاب و جنبش های اجتماعی گوناگون، خواستار وحدت ملی، صلح و آرامش در کشور شد. روز شنبه اوضاع هندوراس عادی بود، اما صبح یکشنبه با کودتای نظامیان اوضاع رنگ دیگری به خود گرفت.

در میان رهبران کشورهای آمریکای لاتین، راتول کاسترو، دانیل اورتگا، اوو مورالس و هوگو چاوز، رؤسای جمهور کوبا، نیکاراگوآ، بولیوی و ونزوئلا بیانیه های جداگانه ای در محکومیت کودتا در هندوراس صادر کردند و جامعه بین المللی را فرا خواندند که خواستار احیای دموکراسی در کشور و بازگرداندن رئیس جمهور قانونی هندوراس به این کشور بشوند. راتول کاسترو تأکید کرد که این برخورد منافع مردم با منافع الیگارشسی هندوراس از مرزهای این کشور فراتر می رود و نشان دهنده خطر بازگشت به گذشته است. یعنی دورانی که دیکتاتوری های نظامی با پشتیبانی ایالات متحد آمریکا مردم آمریکای لاتین و به ویژه آمریکای مرکزی و کارائیب را مرعوب می کردند. قابل توجه است که روز چهارشنبه ۳ تیر در نشست فوق العاده کشورهای عضو "گزینه بولیواری قاره آمریکا" (ALBA) که هندوراس نیز عضو آن است، بیانیه ای در حمایت از پرزیدنت زلایا و محکوم کردن هرگونه اقدام برای سنگ اندازی در راه پیشبرد برنامه های او و اجرای روندهای دموکراتیک در هندوراس، خوانده شد.

هندوراس کشوری است که در دهه های گذشته هدف دخالت های گسترده آمریکا و از جمله چندین حمله نظامی برای حفظ سرکردگی امپریالیسم آمریکا بوده است، و مردم آن قربانی رژیم های دیکتاتوری گوناگونی بوده اند که روابط دست نشاندهی نزدیکی با آمریکا داشته اند. نمونه دخالت تجاوزکارانه دولت آمریکا به این کشور رخدادهای دهه ۱۹۸۰ بود که طی آن دولت رونالد ریگان با هدف از میان بردن "خطر کمونیست ها" در آمریکای مرکزی، به سازمان دهی و تأمین مالی جوخه های مرگ و نیروهای شبه نظامی پرداخت. در آن دوران هزاران تن در سراسر این منطقه ناپدید یا به دست این نیروها کشته شدند.

این بار نیز نیروهای مترقی سراسر دنیا به دخالت سازمان سیا در کودتای نظامی هندوراس مظنون هستند، اگرچه هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا اظهار داشته است که اقدام صورت گرفته علیه رئیس جمهور هندوراس "باید توسط همه محکوم شود." فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری خواستار توقف دخالت سازمان سیا در امور داخلی کشورها شده است و راتول کاسترو در سخنانی که در نشست "ریو" در نیکاراگوآ ایراد کرد، از اواما و کلینتون خواست که گفته هایشان را با اقدامات عملی دنبال کنند، و صرفاً به حرف زدن اکتفا نکنند.

اگرچه رشد اقتصادی هندوراس در چند سال گذشته مستمر و در حدود ۷ درصد سال بوده است، اما کماکان یکی از فقیرترین کشورهای آمریکای لاتین و جزو کشورهای فقیر به شدت بدهکار محسوب می شود. وقوع توفان و سیل ها حاره ای در کشور صدمات زیادی به مزارع، مناطق مسکونی و سازه های زیربنایی این کشور (مثل راه ها) زده است. اقتصاد این کشور فقیر ۷ میلیونی آمریکای مرکزی به شدت وابسته به کمک های مالی آمریکا (بیشتر از ۵۰ میلیون دلار کمک در سال به آن جی. او. ها تحت پوشش "ارتقای دموکراسی" و نیز دلارهایی است که هندوراسی های مقیم و شاغل در ایالات متحد برای خانواده های خود می فرستند. پنتاگون آمریکا نیز یک پایگاه نظامی در سوتوکانوی هندوراس دارد که حدود ۵۰۰ نظامی و شمار زیادی هلیکوپتر و جنگنده های هوایی در آن نگاهداری می شود. به همین دلیل است که بسیاری را عقیده بر این است که برای انجام چنین کودتایی و برکنار دولت چنین کشوری، بی شک باید چراغ سبزی از آمریکا گرفته شده باشد.



کودتای نظامی در هندوراس: تلاش ارتجاع برای بازپس گرفتن مواضع از دست رفته در آمریکای لاتین

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، روز یکشنبه ۷ تیر نظامیان هندوراس دست به کودتا زدند و با ربودن پرزیدنت زلایا قدرت دولتی را در این کشور به دست گرفته، رئیس کنگره، روبرتو میشه‌نتی، را به عنوان "رئیس جمهور موقت" منصوب کردند. روز دوشنبه، پرزیدنت خوزه مانوئل زلایا (Jose Manuel Zelaya) چگونگی انجام این کودتا را از شبکه تلویزیونی تله‌سور در سن خوزه در کاستاریکا تشریح کرد. به گفته پرزیدنت زولا، صبح یکشنبه حدود ۶۰ نظامی مسلح به محل سکونت رئیس جمهور حمله کردند و ضمن تیراندازی و تهدید او به مرگ، او را به گروگان بردند. نظامیان پس از انتقال رئیس جمهور به یک پایگاه نظامی، او را با هواپیما به کشور کستاریکا فرستادند. قرار بود که همان روز یکشنبه یک همه‌پرسی مشورتی در مورد ضرورت تغییر دادن قانون اساسی کشور صورت بگیرد که پیش از این نیروهای نظامی و نیروهای راستگرا با آن ابراز مخالفت کرده بودند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، کودتاچیان در جریان اجرای کودتا کانال تلویزیون سراسری را تعطیل کرده بودند و در بخش‌هایی از کشور، خدمات برق و تلفن نیز قطع شده بود تا مردم در بی‌خبری نسبت به آنچه رخ داد بمانند. اما در پی اطلاع از کودتا، مردم کشور دست به تظاهرات اعتراض‌آمیز زدند و با نیروهای پلیس و ارتش درگیر شدند. پرزیدنت زلایا به علت روابط گسترده با کشورهای عضو "گزینه بولیواری قاره آمریکا" (ALBA)، اخیراً مورد حمله فزاینده نیروهای راستگرا قرار داشته است. پرزیدنت زلایا در صحبت‌هایی که از شبکه تله‌سور سان خوزه پخش شد اظهار داشت که کودتا توسط "اعیان حریصی" صورت گرفته است که می‌خواهند کشور را "در فقر مفرط" نگاه دارند. او از دولت آمریکا خواست که این کودتا را به صراحت محکوم کند. بسیاری از دولت‌های جهان این کودتا را محکوم و از شناسایی حکومت جدید خودداری کرده‌اند، از جمله شماری از دولت‌های آمریکای لاتین که سفرای خود را از هندوراس فراخواندند. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا روز دوشنبه اعلام کرد که "به نظر ما این کودتا غیرقانونی است و ما فقط مانوئل زلایا را رئیس جمهور قانونی کشور می‌شناسیم... ما نمی‌خواهیم به گذشته تاریک [دوران کودتاها] بازگردیم." فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، شورای جهانی صلح، و بان کی مون دبیرکل سازمان ملل نیز کودتا را محکوم کردند. روز سه‌شنبه ۹ تیر پرزیدنت زلایا در سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواستار کمک سازمان ملل برای بازگشت او به ریاست جمهوری هندوراس شد، در حالی که

رئیس دولت موقت هندوراس اعلام کرده است که در صورت بازگشت زلایا به هندوراس او را بازداشت خواهد کرد. نیروهای مترقی و از جمله شمار زیادی از احزاب کمونیست و کارگری جهان ضمن محکوم کردن کودتا علیه دولت قانونی هندوراس، خواهان آنند که کودتاچیان مورد تحریم نظامی، سیاسی، دیپلماتیک قرار داده شوند تا رئیس جمهوری قانونی به کشور و قدرت بازگردانده شود.

لازم به اشاره است که قانون اساسی کنونی هندوراس در سال ۱۹۸۲ و در اوج جنگ‌های ننگین دولت محافظه‌کار رونالد ریگان در منطقه آمریکای مرکزی تنظیم و تصویب شده است. به گفته آگاهان، این قانون اساسی طوری نوشته شده بود که به طور عمده تضمین کننده قدرت سیاسی و اقتصادی حاکمان راستگرای وقت و مانع هرگونه دخالت مردم باشد. پیشنهاد برگزاری یک همه‌پرسی مشورتی از مردم برای ضرورت انجام تغییراتی در قانون اساسی کشور از سوی پرزیدنت زلایا مطرح شد، که خود در ۶ آذر سال ۱۳۸۴ و بر مبنای خط مشی حزب لیبرال هندوراس و با برخورداری از حمایت اکثریت سندیکاها و جنبش‌های اجتماعی برنده انتخابات ریاست جمهوری شد. طبق قانون، دوره ریاست جمهوری زلایا ۷ بهمن امسال به پایان می‌رسد و قرار بود که انتخابات ریاست جمهوری در ماه آذر برگزار شود. جرقه رویدادهای اخیر چند روز پیش و زمانی زده شده که در پی دادخواست کنگره کشور، دیوان عالی کشور برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی را مغایر با قانون

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

به یاد رفقا ارانی و روزبه، پرویز از آمریکا ۲۰۰۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس‌های اینترنت و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 820
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Monday 6th July 2009

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse